

تبیین مشارکت و حضور مردم استان بوشهر در فعالیتهای سیاسی - جتماعی؛ با تأکید بر شرکت در انتخابات (مورد مطالعه: شهر بوشهر)

دکتر غلامرضا جعفری^۱ 

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۴

تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۱۲/۵

چکیده:

مشارکت و حضور مردم استان بوشهر، به ویژه در شهر بوشهر، در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی، نشانه‌ای از آگاهی و تعهد آنها به فرآیندهای دموکراتیک است. هدف این مقاله به بررسی میزان و عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در انتخابات و فعالیتهای سیاسی - اجتماعی می‌پردازد. شهر بوشهر با پیشینه فرهنگی غنی و موقعیت جغرافیایی خاص خود، بستری مناسب برای شکل‌گیری آگاهی سیاسی در میان شهروندان فراهم کرده است. مشارکت در انتخابات، نمایانگر علاقه مردم به تعیین سرنوشت خود است و عواملی نظیر رضایت از عملکرد نمایندگان، برنامه‌های انتخاباتی، و وضعیت اجتماعی - اقتصادی بر آن تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، آگاهی سیاسی و ارتباطات عمومی نقش مهمی در افزایش مشارکت دارند. جلسات عمومی و نشست‌های انتخاباتی، فرصتی برای بیان نظرات و درخواست‌ها فراهم می‌کند و به تقویت روحیه مشارکت در جامعه کمک می‌کند. روش تحقیق این پژوهش بصورت پیمایش بوده است. جامعه مورد مطالعه تحقیق حاضر ساکنان شهر بوشهر است که بر اساس سالنامه آماری سال ۱۴۰۳ (آخرین سالنامه منتشر شده) برابر با ۴۸۵۳۹۸ نفر بوده‌اند. بر اساس نتایج به دست آمده از این تحقیق در سطح معناداری ۵ درصد و با اطمینان ۹۵ درصد، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و رضایت‌مندی اجتماعی در نمونه مورد بررسی حدود ۶۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته (شرکت در انتخابات) را تبیین می‌نمایند در نهایت، تقویت مشارکت مردم بوشهر در فعالیتهای سیاسی مستلزم توجه به نیازها و خواسته‌های آنها و ایجاد بسترهای لازم برای انتخابات آزاد و منصفانه است. این امر می‌تواند به رشد اجتماعی و سیاسی این استان کمک شایانی کند.

مفاهیم کلیدی: مشارکت، احزاب، کنش‌ها، جامعه‌شناسی، بوشهر

^۱ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران jafarinia_reza@iaubushehr.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

مشارکت در اصطلاح به معنای همکاری سازمان‌یافته شهروندان برای انتخاب رهبران خویش، شرکت مؤثر در فعالیت‌ها و امور اجتماعی و سیاسی و تأثیر گذاشتن بر ترکیب هدایت سیاسی دولت است. پس مشارکت سیاسی به معنای کوشش سازمان‌یافته مردم درباره حکومت و سیاست است یعنی مردم در انتخاب رهبران سیاسی جامعه و سیاست‌گذاری‌ها، فعالانه حضور داشته و خود را نسبت به حکومت و سیاست‌های آن بیگانه احساس نمی‌کنند، به عبارت دیگر مردم با انتخاب رهبران و تأیید سیاست دولت، هدایت آن را بر عهده می‌گیرند. فرهنگ سیاسی مشارکتی به این معناست که افراد از نفوذ نظام سیاسی بر خود و میزان تأثیرگذاری خود بر نظام سیاسی آگاهی دارند و با علم به تأثیرگذاری متقابل آن دو بر یکدیگر نسبت به ساخت سیاسی، اداری و روند تصمیم‌گیری و امر اجرایی حساسیت نشان می‌دهند و تلاش می‌کنند در خطی مشی و تصمیمات نظام سیاسی تأثیر بگذارند. پس داشتن فرهنگ سیاسی و فرهنگ سیاسی مشارکتی در امور برای مشارکت امور امری ضروری است. بنابراین احساس مسئولیت کردن نسبت به سرنوشت و اداره امور مملکتی یک وظیفه و تکلیف شرعی برای همه مردم بخصوص قشر نوجوان و جوانان یک جامعه زنده و پایدار است و اما عقل نیز بر این ضرورت تأکید می‌کند. انسان بالطبع اجتماعی است و زندگی اجتماعی بر اساس روابط انسان‌ها با یکدیگر امکان‌پذیر می‌شود. در این فرایند فرد و جامعه بر هم تأثیر می‌گذارند و بر افراد جامعه لازم است نقش خود را در این تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بدرستی ایفا کنند. مسائل سیاسی و امور مربوط به حکومت از اهم مسائل هر جامعه است. افراد باید با مشارکت فعال خویش در سرنوشت خود و جامعه دخالت کنند و در سیاست‌گذاری‌ها، تصمیمات و چگونگی اداره امور کشور تأثیرگذار باشند؛ چرا که اگر در تعیین سرنوشت خود مشارکت نوزند بر اساس کشش‌های موجود در عالم خلقت دیگران با سلطه بر آنها برای آنان تصمیم‌گیری خواهند کرد، آنها را به دنبال خود می‌کشانند و چه بسا به ورطه هلاکت می‌اندازند. پس مشارکت سیاسی برای حیات فکری و زندگی با عزت امری ضروری است. مشارکت در لغت به معنای همکاری کردن، شرکت داشتن و شریک شدن است. مشارکت در واقع شرکت داوطلبانه گروهی از مردم در برنامه‌ها و طرح‌های سیاسی، اجتماعی است که در توسعه ملی نقش اساسی را دارند. مشارکت برانگیختن حساسیت مردم و در نتیجه افزایش درک و توان آنها برای پاسخگویی به طرح‌ها و برنامه‌های توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی می‌باشد. در مشارکت حدود دخالت مردم در فرایند تصمیم‌گیری تا آنجاست که بر زندگی آنان تأثیر می‌گذارد یعنی این حق مداخله باید موجب حل مشکلات خود و جامعه شود. با این

وصف مشارکت می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای رونق بخشیدن به فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در نتیجه شتاب دادن به آهنگ توسعه و بسط عدالت اقتصادی و اجتماعی باشد. مشارکت ابزار افزایش و توزیع فرصت‌های شرکت جستن مردم در تصمیم‌گیری‌های جمعی، همیاری و دیگریاری در توسعه و پیشرفت کشور می‌باشد (Kalantari & 2016:17).

بدون شک یکی از مهم‌ترین موضوعات در هر نظام سیاسی، مسئله‌ی مشارکت سیاسی شهروندان آن نظام است، مشارکت سیاسی^۱ عملی ارادی و آگاهانه است که به‌طور مستقیم از راه‌های قانونی و مسالمت‌آمیز به منظور تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های مربوط به اداره جامعه انجام می‌شود. مشارکت سیاسی به‌عنوان یک روش سیاسی دارای منافع عملی ویژه‌ای است که فقدان آن به سامان سیاسی و اهداف بلندمدت حکومت صدمه وارد می‌کند، مشارکت سیاسی را می‌توان به مثابه مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و اعمالی تعریف کرد که شهروندان خصوصی به وسیله آن اعمال، در جست و جوی نفوذ با حمایت از حکومت و سیاست خاصی هستند (Firhi, 2018:44).

از عینی‌ترین نمودهای مشارکت سیاسی می‌توان به مواردی چون حضور و مشارکت در عرصه انتخابات، عضویت در تشکل‌های سیاسی، عضویت در سندیکاها و ... اشاره کرد. در دنیای امروز اساس و جهت حرکت نظام‌ها را چه در سطح ملی و عرصه بین‌المللی مشارکت مردم در عرصه سیاست آن نظام مشخص می‌کند تا جایی که هر چه میزان این نوع مشارکت افزایش یابد به دنبال آن اعتبار و قدرت سیاسی آن نظام در عرصه بین‌المللی افزایش یافته، این خود پشتوانه‌ای برای رسیدن به اهداف پیش‌بینی شده نظام سیاسی و دولت‌مردان آن نظام را مهیا می‌سازد. مشارکت سیاسی یکی از شاخص‌های عمده توسعه سیاسی و اجتماعی در جوامع مدرن و دموکراتیک نیز محسوب می‌شود، یکی از اهداف توسعه سیاسی گسترش مشارکت و رقابت گروه‌های اجتماعی در زندگی سیاسی است که برای نیل به توسعه سیاسی باید میزان مشارکت سیاسی مردم افزایش یابد (Moore, 2011:7-17). بر همین اساس جوامع گوناگون به دنبال افزایش مشارکت شهروندان در عرصه‌های مختلف اجتماعی هستند. تا بدین ترتیب زمینه همبستگی اجتماعی بیشتر و در نهایت توسعه جامعه را به دنبال داشته باشد. مایکل راش در کتاب جامعه و سیاست، مشارکت سیاسی را درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی با داشتن مقام رسمی سیاسی تعریف می‌کند (Rush, 2011:321). Alain de Benoist معتقد است که مشارکت سیاسی یک قالب سیاسی است که

¹ political participation

در آن هر شهروند حق دارد خصوصاً از طریق تعیین حکام و امکان اظهار موافقت و مخالفت با آن‌ها در امور عامه شرکت جوید (Alizadeh & Panahi, 2016:94). از سوی دیگر، مشارکت سیاسی به معنای وجود رقابت و منازعه مسالمت‌آمیز بین بخش‌های گوناگون جامعه سیاسی برای به دست آوردن قدرت و اداره جامعه و تعریف مصالح عمومی نیز مطرح می‌شود (Bashiriyah, 2019: 2) به زعم Hardwick (1996) اندیشمندان و نظریه‌پردازان، هنگام بحث درباره مشارکت سیاسی، عموماً بین روش‌هایی که رایج‌تر و پذیرفته‌تر هستند، مانند شرکت در رأی دادن و با کاندیداتوری در مقابل، روش‌های غیر قراردادی مشارکت که کمتر پذیرفته هستند و برخی اوقات به آن‌ها به‌عنوان روش‌های کمتر پذیرفته شده می‌نگرند، تفاوت قائل هستند (Movahed, 2014:6). از طرف دیگر فرهنگ عامل مهمی در تعیین ماهیت توزیع قدرت سیاسی است و نگرش‌ها و ارزش‌های جامعه در مورد سیاست را مشخص می‌کند. امروزه صرف داشتن نهادهای دموکراتیک مانند مجلس، احزاب سیاسی، انجمن‌ها و ... نمی‌توان موجبات توسعه سیاسی فراهم شود. بنابراین علاوه بر نهادهای دموکراتیک در یک جامعه نیازمند شهروندان دموکراتیک نیز می‌باشیم (Azimi & Rasouli, 2020:224). آنچه قابل اهمیت است نقش فرهنگ و عناصر فرهنگی اثرگذار در روند مشارکت سیاسی جامعه است. فرهنگ پایه و اساس زندگی جوامع است، زیرا بیشتر رفتار و کردار انسان‌ها از باورهایشان سرچشمه می‌گیرد. بنابراین، توسعه فرهنگی، فرایندی کمی و کیفی است که بر تمام ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه تأثیرگذار بوده و سطوح مختلف زندگی را در برمی‌گیرد. امروزه جامعه‌شناسان بیش از پیش اذعان دارند که دستیابی به توسعه‌ای پایدار و همه‌جانبه بدون توجه به فرهنگ و ابعاد گوناگون آن، امر بسیار دشواری خواهد بود.

همان‌گونه که توسلی (۱۳۷۳)، خاطر نشان می‌سازد، فرهنگ کل زندگی جمعی و ارزش‌های حیات یک ملت است، تمامی الگوها و نمادهایی است که در هر روابط روزمره به کار می‌رود و تمام ظرفیت‌ها و استعدادهای فردی و جمعی است که می‌تواند در فرایند فرهنگی و تمدنی خودکار گرفته شود. حق دسترسی به فرهنگ به معنی حق دسترسی به امکانات مشارکت فرد در تولید فرهنگ می‌باشد. در این میان، مقوله دموکراتیزه کردن فرهنگ به معنای داشتن آزادی بیان، آزادی خلاقیت و آفرینش خلاقیت است. دموکراسی فرهنگی با داشتن استقلال فرهنگی به این معنا است که فرد بتواند مستقل از قدرتهای موجود در جامعه عمل کرده و دیدگاه‌ها و نظرات را ارائه کند و شبیه دموکراسی سیاسی است، به این معنا که فرد بتواند مشارکتی کاملاً دموکراتیک داشته باشد و این حکومت‌ها هم کاملاً روشمند حقوق و امنیت فرهنگی فرد را تضمین کنند (Zahedani & Afrasiabi, 2019).

در ارتباط با مشارکت سیاسی، در طول تاریخ جامعه ایرانی باید اذعان داشت. مردم نسبت به مدیریت جامعه زیاد خوش‌بین نبوده‌اند، بنابراین در امور اجتماعی مربوط به مدیریت به اکراه همکاری داشته‌اند. همچنین همان‌گونه که استوارت میل بیان داشته است. زمانی که دولت شهروندان خود را تحقیر نموده و تا حد یک ابزار تنزلشان بدهد، در خواهد یافت که با مردان کوچک کار بزرگی را نمی‌توان به انجام رسانید (Niazi, 2012:174)، بنابراین در ادوار مختلف وجود تمرکزگرایی در ساختار سیاسی - اداری کشور، با فقدان مؤلفه‌های توسعه سیاسی و اجتماعی، همچون مشارکت سیاسی و اجتماعی، دموکراسی و کثرت‌گرایی رو به رو بوده‌ایم و برعکس، مؤلفه‌های توسعه‌نیافتگی در قالب فقدان مشارکت، دیکتاتوری، استبداد، خودکامگی، اقتدارگرایی و توتالیتریزم در این دوره‌ها به مثابه ثمره تمرکزگرایی رهنمون می‌شده است. هدف اصلی از این پژوهش شناسایی میزان مشارکت سیاسی و حضور مردم استان بوشهر در فعالیتهای سیاسی - اجتماعی (با تأکید بر انتخابات) می‌باشد و همچنین اهداف فرعی ذیل مطلوب نظر نویسنده می‌باشد:

- تعیین تأثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی بر میزان شرکت درانتخابات مردم استان بوشهر.
- تعیین رابطه بین رضایتمندی اجتماعی بر میزان شرکت در انتخابات مردم استان بوشهر.

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

زارع و روهنده (۱۳۹۴)، در پژوهشی به "بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت اجتماعی - سیاسی مطالعه‌های در باب شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرج" انجام دادند. در این تحقیق، با استفاده از نظریه‌های تلفیقی مشارکت به منزله پشتوانه نظری، رابطه بین رضایتمندی اجتماعی و سیاسی، دینداری، رسانه‌ها و پایگاه اجتماعی - اقتصادی با مشارکت تحت بررسی قرار گرفت. روشی که در تحقیق حاضر به کار رفته پیمایش است و از تکنیک پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. جمعیت تحقیق کلیه شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرج است که ۴۰۰ نفر از میان آنها به مثابه نمونه انتخاب شدند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های رگرسیون خطی دو متغیره، آزمون تی، و رگرسیون چند متغیره استفاده شد. در نهایت، مشخص شد که رضایتمندی سیاسی ۳۳ درصد از ۱۹ درصد از / تغییرات مشارکت اجتماعی - سیاسی را توضیح می‌دهد، دینداری نیز ۶ تغییرات متغیر وابسته

را تبیین می‌کند. بین هر یک از متغیرهای رضایت‌مندی اجتماعی، رسانه جمعی، درآمد و جنسیت با مشارکت اجتماعی - سیاسی هم رابطه معنادار مشاهده شد. پس از ورود همزمان متغیرهای اصلی و متغیرهای شخصی شهروندان به مدل تحقیق، مشخص شد که در مجموع متغیرهای تحقیق ۴۱ درصد از تغییرات مشارکت اجتماعی - سیاسی را توضیح می‌دهند. نتایج تحقیق حاضر از برآزش بالای نظریه تحقیق با یافته‌های تجربی مشاهده شده حکایت دارد.

نظری و همکاران (۱۳۹۲)، تحقیقی با عنوان "بررسی تأثیر مشارکت سیاسی بر توسعه سیاسی جوانان شهر خلخال" انجام داده‌اند. هدف پژوهش شناخت تأثیر مشارکت سیاسی جوانان بر توسعه سیاسی است که به صورت پیمایشی انجام شده است. حجم نمونه ۲۵۰ نفر از جوانان ۲۹ تا ۱۵ ساله شهر خلخال می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بین متغیرهای اعتماد به رسانه‌های جمعی، اعتماد به افراد مذهبی، اعتماد به سیاسیون، اعتماد سیاسی، مشارکت سیاسی با توسعه سیاسی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از این یافته‌ها نشان‌دهنده تأثیر عواملی چون اعتماد به رسانه‌های گروهی، اعتماد به شخصیت‌های سیاسی و اعتماد به افراد مذهبی، مشارکت سیاسی بر میزان توسعه سیاسی است. که این عوامل از جمله شاخص‌های مهم توسعه هستند.

طیبی‌نیا و نقد (۱۳۹۱)، تحقیقی با عنوان "بررسی مشارکت سیاسی دانش‌آموزان و عوامل مرتبط با آن" با هدف بررسی مشارکت سیاسی دانش‌آموزان در استان همدان و عوامل مرتبط با آن انجام داده‌اند. این تحقیق به روش پیمایش و تکنیک مورد استفاده برای گردآوری اطلاعات پرسشنامه بوده است که از یک نمونه ۳۹۸ نفری از دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی در استان همدان با استفاده نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شده است. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد، میانگین مشارکت سیاسی (۸۳/۱۴) از حداکثر (۸۵/۲۷) نمره می‌باشد و بیش از نیمی از دانش‌آموزان (۲/۵۴) نمره‌ای کمتر از میانگین دارند. نتایج نشان می‌دهد عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانش‌آموزان عبارت از: عواملی که اثر مثبت دارند مانند «رضایت تحصیلی، رضایت سیاسی، خانواده سیاسی، دوستان سیاسی، رادیو داخلی، روزنامه و مجله، تعهد دینی و شیوه تربیتی خانواده» و عواملی که تأثیر منفی دارند مانند (رادیو خارجی، ماهواره و درآمد خانوار) می‌باشد.

نیک‌پور قنوتی و همکاران (۱۳۹۱)، تحقیقی با عنوان "بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مرتبط با مشارکت سیاسی" با هدف بررسی کیفیت مشارکت زنان در زندگی سیاسی تحت تأثیر ساخت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، تاریخی و پایه‌های ایدئولوژیکی روابط

اجتماعی انجام داده‌اند. با توجه به اینکه زمان دارای نقش دوگانه‌ای در حوزه‌های تولیدی و باز تولیدی می‌باشند. اما هنوز مشارکت آن‌ها در ساختار رسمی سیاسی و فرایندهای آن، جایی که تصمیمات با در نظر گرفتن استفاده از منابع اجتماعی تولید شده به وسیله مردان و زنان گرفته می‌شوند، مهم تلقی نمی‌شود. بنابراین، بررسی جایگاه زنان در سیاست مستلزم توجه به کلیت سیستم و ساختار اجتماعی و دگرگونی شدن روابط ساختاری می‌باشد. در این تحقیق، تعداد ۲۷۳ نفر با استفاده از جدول لین به‌عنوان نمونه برای مطالعه انتخاب شدند؛ و از اعتبار صوری برای سنجش روایی گونه‌ها استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که محل تولد، تحصیلات، شغل، طبقه اجتماعی، جهت‌گیری مذهبی، درآمد، استفاده از رسانه‌های جمعی، سیاسی بودن خانواده، سیاسی بودن دوستان و علاقه به برنامه‌های سیاسی با مشارکت سیاسی زمان رابطه معناداری دارند، بین سن، تأهل و قومیت با مشارکت سیاسی رابطه معناداری رابطه معناداری مشاهده نشده است.

علمی و همکاران (۱۳۹۱)، در تحقیقی دیگر با عنوان "بررسی رابطه بیگانگی اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه اسلامی واحد نقده" به بررسی رابطه بیگانگی اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان پرداخته‌اند. نوع روش تحقیق پیمایش و جامعه آماری دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی واحد نقده در سال ۸۹-۹۰، ۲۹۸ نفر بوده است. نتایج نشان می‌دهد که بین بیگانگی اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه معناداری وجود ندارد، در بین مؤلفه‌های بیگانگی اجتماعی، احساس انزوای اجتماعی با میزان مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد. در حالی که دیگر مؤلفه‌های بیگانگی رابطه‌ای با مشارکت سیاسی ندارد.

تحقیقی دیگر، توسط مسعودنیا و همکاران (۱۳۹۰)، با عنوان "بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی استادان دانشگاه اصفهان و با هدف بررسی عوامل اجتماعی - روان‌شناسی مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی استادان دانشگاه اصفهان صورت گرفته است. روش تحقیق به شیوه پیمایش بوده و حجم نمونه ۱۲۰ نفر از استادان دانشگاه اصفهان هستند. بر اساس یافته‌های پژوهش رابطه معناداری بین متغیرهای رسانه‌های جمعی، آگاهی سیاسی، محیط سیاسی، اثرگذاری سیاسی، انگیزه‌های سیاسی، میزان محرومیت نسبی و احساس بی‌قدرتی سیاسی با مشارکت سیاسی وجود دارد. نتایج تحلیلی نشان می‌دهد که رسانه‌های جمعی بالاترین ارتباط معنادار را با مشارکت سیاسی دارد.

ب) تحقیقات خارجی

تحقیقی توسط *Mohamed Anouar (2019)* با عنوان "مشارکت سیاسی آنلین، شکست‌ها و نابرابری‌ها" صورت گرفته است این تحقیق در پی این نکته است که نشان دهد نابرابری‌های اجتماعی و جمعیتی چگونه تونس را تحت تأثیر قرار داده است؛ و به بررسی توسعه و درک عمیق از نقش شبکه‌های اجتماعی در عرصه سیاسی در تونس پرداخته است. نقش شبکه‌های جدید اطلاعات و ارتباطات در سال ۲۰۱۱ مورد بحث در جامعه تونس بوده و توجه به نقش این شبکه‌های اطلاعاتی مورد توجه محققان زیادی بوده است. در این میان در دوره‌های قبلی مشارکت سیاسی در جامعه تونس محدود بوده و هنوز هم بسیاری از شهروندان در گذار دموکراتیک از مشارکت سیاسی به دور مانده‌اند. هدف اصلی این تحقیق بررسی چگونگی تعاملات سیاسی و مدنی کاربران شبکه‌های اجتماعی بوده است.

Lake & Huckfelt (2017) در پژوهشی با عنوان "مشارکت سیاسی بالا، سرمایه اجتماعی بالا بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی" با استفاده از روش همبستگی و رگرسیون چند متغیره به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین جوانان بلژیک می‌پردازند. آن‌ها جوانان بلژیکی را به شش گروه اصلی طبقه‌بندی می‌کنند که از میان این شش گروه دو طبقه از آن‌ها یعنی متعهدین و دینداران فعالیت بیشتری در حوزه‌های سیاسی داشتند. طبقه متعهدین دارای سرمایه اجتماعی بالا که عمدتاً شامل جوانان بومی بلژیکی بودند، دارای پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالایی بودند و در مسائل مختلف سیاسی فعالیت می‌کردند. اما طبقه دینداران که عمدتاً شامل اقلیت‌های قومی و دینی بودند، نسبت به دیگر طبقات از پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین‌تری برخوردار بودند و در حوزه‌های سیاسی محدودتر و خاص‌تری فعالیت می‌کردند.

تحقیقی توسط *Simona Gozzoa & et. al (2015)* با عنوان "شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی در یک زمینه سیاسی مشترک"، انجام پذیرفته است. این مطالعه ارتباط بین مشارکت سیاسی و اجتماعی را نشان می‌دهد هدف از این مقاله ارزیابی نقش سرمایه اجتماعی و به‌طور خاص نقش شبکه‌های ارتباطی و درک عوامل انگیزشی و شناختی است و بر مطالعه‌ی مکانیسم‌های سیاسی بانفوذ تأکید داشته است.

تحقیقی دیگر، توسط *Gaiser & Rijike (2015)* با عنوان "مشارکت سیاسی جوانان" صورت گرفته، علاقه سیاسی را عامل مهم برای شرکت در فعالیت‌های سیاسی می‌داند. در تحقیق مورد اشاره به تفاوت فرهنگ‌های سیاسی سه دسته از کشورهای اروپایی نیز اشاره شده است. نتیجه تحقیق حاکی از آن بوده که کشورهای آلمان دانمارک، هلند و تا حدودی

انگلیس از فرهنگ مدنی پیشرفته‌تری برخوردار بوده‌اند. فرانسه، ایتالیا، اسپانیا و بلژیک در گروه دیگر قرار گرفته‌اند. با توجه به مشارکت در انتخابات (تا سال ۱۹۹۰ میلادی)، جمهوری فدرال آلمان از جمله کشورهایی بوده است که میزان مشارکت در انتخابات، در آن کشور نسبتاً بالا گزارش شده است. تفاوت میان کشورها از نظر مشارکت سیاسی را می‌توان تا حدودی به دلیل سنت‌های سیاسی و یا ملی آنان دانست

نتایج پژوهش *Shaypro (2014)* نشان می‌دهد مردمی که مشارکت سیاسی دارند. از بیشتر بعدها دیگر زندگی نیز راضی هستند. اطلاعات گرفته شده از آمریکای لاتین نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معناداری میان رأی دادن و رضایت زندگی وجود دارد، استفاده از مدل‌های چند سطحی این پژوهش نشان می‌دهد که بین شکل‌های مختلف دیگر از مشارکت سیاسی و رضایت از زندگی نیز رابطه معناداری وجود دارد

McClurg (2014) نیز در پژوهشی با عنوان «شبکه اجتماعی و مشارکت سیاسی به این نتیجه دست یافت که علاوه بر اینکه تعاملات اجتماعی دارای محتوای سیاسی مهم هستند، اندازه شبکه تعاملات افراد نیز مهم است. افرادی که با دوستان، آشنایان سیاسی بیشتری ارتباط داشته‌اند از مشارکت سیاسی بالاتری نیز برخوردار بوده‌اند. همچنین در گروه‌های دو نفری مانند زن و شوهرها نتایج نشان می‌دهد زوجینی که دارای همسرانی علاقه‌مند به سیاست هستند از مشارکت بیشتری برخوردار بوده‌اند.

D. L. Sheth (2013) ضمن تأکید بر متغیرهای درآمد، تحصیلات و مجموع شاخص‌های پایگاه اقتصادی و اجتماعی، شهرنشینی، عضویت سازمانی مؤثر در میزان مشارکت سیاسی افراد، عنوان می‌کند که سواد یکی از متغیرهای بسیار قدرتمند و مؤثر بر میزان مشارکت است.

Alex Inkeles (2013) در تحقیقات خود در کشورهای در حال توسعه به ویژگی‌های اجتماعی - روانشناختی شهروند مشارکت‌جو پرداخته و دریافته است، افرادی که دارای آگاهی سیاسی بالا هستند، مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های سیاسی و مذهبی زیاد است.

Lake & Huckfelt (2012) در مقاله‌ای با عنوان "سرمایه اجتماعی شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی" به این نتیجه می‌رسند که سرمایه اجتماعی سیاسی (سرمایه اجتماعی که تعاملات سیاسی را تسهیل می‌کند) در شبکه‌های بینا شخصی تولید می‌شود و این افزایش سطح سرمایه اجتماعی - سیاسی احتمال مشارکت شهروندان در فعالیت‌های سیاسی را افزایش می‌دهند. علاوه بر آن تأکید می‌کنند که تولید سرمایه اجتماعی - سیاسی

تابعی از تخصص‌های سیاسی در درون شبکه روابط فردی تداوم تعاملات سیاسی در داخل شبکه و اندازه یا گستردگی شبکه می‌باشد.

Bahyar & Silver (2012)، به مطالعه در دوره گورباچف پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که فعالیت و مشارکت اجتماعی آن‌ها به انگیزه‌های افراد بستگی دارد. افراد منتقد که از زندگی خود راضی هستند، احتمال بیشتری وجود دارد که علاقه به امور سیاسی نداشته باشند یا طرفدار آزادی و عدم کنترل دولت بر آزادی‌های مدنی و اقتصادی باشند. *Difrancesico & Gitelman (2011)* در مطالعات خود در روسیه به رابطه بین مشارکت و اعتماد به سایر شهروندان و همچنین نظام اشاره کرده‌اند. هنگامی که فرد احساس کند کارکردهای نظام منافع او را تأمین نمی‌کند، به افراد مجری نزدیک می‌شود، نه سیاست‌گذاران. بنابراین، به مکانیسم‌های سازش کارانه بها داده می‌شود و مانع فرهنگ سیاسی - اجتماعی متکی بر روابط جمعی می‌شود و اجتماع سنتی را تقویت می‌کند.

مبانی نظری پژوهش

۱- نظریات جامعه‌شناختی مشارکت

مشارکت می‌تواند اشکال و درجات گوناگونی پیدا کند نظیر همکاری، همیاری، همبستگی، انطباق، سازگاری، پذیرش، انقیاد، شیفتگی، ایفای نقش‌های اجتماعی و انجام وظایفی که با این نقش‌ها ملازم دارند، مبین مشارکت معمولی و ارتجالی‌گونه در حیات اجتماعی است. ایفای این نقش‌ها، تجلی اراده انسان‌ها در تعلق به جمع و یکپارچگی و یگانگی با آن است (*Tavasoli, 2003:67*). مشارکت اجتماعی مفهومی است که مخصوصاً در جامعه‌شناسی کارکردی و گرایش‌های موجود در آن مورد استفاده قرار گرفته است. از نظر مرتن تحلیل کارکرد پنهان و آشکار مخصوصاً در سطح ساخت‌ها باید شامل مباحث زیر باشد.

- وضع و شرایط مشارکت‌کنندگان در ساخت اجتماعی: مشارکت تفاوتی.
- معنای عاطفی و شناختی رفتار آنان که به مشارکت می‌پردازند.
- تمایز بین انگیزه‌های مشارکت و رفتار مشارکت‌کنندگان.
- جنبه‌های رفتاری منظم که با این انگیزه‌ها پیوسته‌اند، هر چند که مشارکت‌کنندگان چندان شناختی از آنان نداشته باشند.

۲- ادغام اجتماعی^۱

ادغام هم از نظر جامعه‌شناسی و هم از نظر ریاضی به معنای عمل وحدت بخشیدن به عوامل ناهمسان و حایز تمایز است. این مفهوم ابتدا توسط امریکایی‌ها با توجه به آرمان آنان در زمینه شیوه زندگی و رفاه اجتماعی وضع شد. از نظر بسیاری از آنان "ادغام میزان تطابق رفتارهای فردی و گروه‌های جزئی را با آنچه جمع انتظار و توقع دارد، می‌رساند".

ادغام به شکل هنجارها، عادات، جریان‌های عقیدتی غالب تجلی می‌یابد. در این تعریف بر مضامین وفق و عدم وفق، درجه انحراف و پیوست تأکید می‌شود بدون آنکه سعی در تأویل ادغام بر حسب ارزش‌های مثبت و منفی موجود در کل جامعه شود.

پارسونز ادغام را با توجه به عمل و نقش‌های اجتماعی در گروه مورد مطالعه قرار داده است. شیوه‌ای که افراد در ایفای نقش‌ها و انجام اعمالی که این نقش‌ها بر آنها تحمیل می‌کنند، پیش می‌گیرند، درجه ادغام آنها را در گروه و از طریق گروه در نهاد معین می‌کند. ایفای نقش‌ها ادغام رسمی را مشخص می‌کند و حال آنکه فقط امکانات و انگیزه‌های عاملان، امکان تعیین میزان ادغام واقعی را فراهم می‌سازد.

در داخل یک گروه ادغام شامل مجموع پدیده‌های مبتنی بر تعامل است که موجب همسازی و سازگاری متقابل می‌شود. بدین‌سان هر عضو را از هویت گروهی خویش آگاه می‌سازند. به همان اندازه که گروه از طریق مشارکت و دستاورد فعالانه افراد به نوعی اتفاق نظر دست می‌یابد، به همان نسبت نیز ادغام و یکپارچگی با قانون اکثریت و مصالحه توافق می‌پذیرد. به این معنی که از طریق ادغام شاهد اجماع و اتفاق نظر خواهیم بود، نه پیدایی اکثریت و اقلیتی چند در یک جمع. هر نظام اجتماعی چه صورت نهادی یافته باشد و یا نیافته باشد، باید راه حلی برای مسئله ادغام و یکپارچگی اعضای خود، مخصوصاً از طریق توزیع قدرت، اعتبار، مسئولیت و همبستگی ارائه دهد. باید چنان به توزیع نقش‌ها، کارکردها و شیوه‌های مشارکت پرداخت، که افراد با اعمال خود در بطن وفاقی عمومی ادغام شوند. باید توجه کرد که دستیابی به این اهداف یا از طریق برانگیختن صداقت افراد نسبت به نظام (مانند ارتش) صورت‌پذیر است یا با اولویت بخشیدن به همبستگی بین اعضای داوطلب (مانند اعضای باشگاه ورزشی). شرایط هستی و داده‌های طبیعت، اساس و زیربنای یکپارچگی به شمار می‌روند، لیکن تحقق یکپارچگی، همواره مستلزم حداقل مشارکت ارادی است. به جهت همین بعد مضاعف (داده‌های طبیعی و محتوای وجدانی) است که اصطلاح ادغام دو پهلوی می‌نماید. چه ادغام یا یکپارچگی به‌عنوان داده طبیعی، به معنی داخل شدن افراد است در یک

¹ social integration

محیط اجتماعی - فرهنگی و تعلق اصل یا تحمیلی نسبت به چارچوب‌ها، ساخت‌ها و شرایط اجتماعی، حال آنکه به‌عنوان محتوای وجدانی، ادغام، جذب ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی فرهنگی در چارچوب شخصیت و زندگی با آنان را می‌رساند. در نهایت ادغام یا یکپارچگی میتواند یکسان شدن فرد و محیط، جذب شخص توسط محیط یا جذب درونی محیط توسط فرد و تعهدهایی را در برابر محیطش به‌عنوان عنصری همبسته مسئول برساند. از نظر آنجل ادغام به منزله تأکید بر مجموعه‌ای از اهداف و ارزش‌های مشترکی خواهد بود که اعضای یک گروه روی بدان دارند. این اهداف و ارزش‌ها نقشی تعیین‌کننده در حیات آن گروه ایفا می‌کند (Tavasoli, 2003:68-70).

۳- نظریه حوزه عمومی^۱

حوزه عمومی به عنوان حوزه واسطه جامعه و دولت قدمت طولانی دارد. هر چند برخی قدمت آن را به دولت شهرهای یونان می‌رسانند؛ اما حوزه عمومی به صورت جدید، ریشه در بورژوازی قرن هجدهم دارد. داعیه‌های بورژوازی مبتنی بر روشنگری، برابری، عدالت، آزادی، استقلال، حاکمیت ملی، احترام به جایگاه و شأن افراد، در کنار مکاتب فکری نظیر لیبرالیسم، فردگرایی، رشد تجارب و ... زمینه‌های پیدایش حوزه‌های عمومی را بیش از پیش تسریع و ضروری ساخت (Nozari, 2002:451). رشد بورژوازی و سرمایه‌داری باعث کاهش قدرت کلیسا گردید به‌گونه‌ای که کارآفرینان سرمایه‌دار به اندازه‌ای ثروتمند شدند که توانستند برای کسب استقلال علیه دولت و کلیسا قد علم کنند آنان دریافته بودند، باز تولید حیات اجتماعی در گرو نهادها و تأسیساتی است که از مرزها و محدوده‌های اقتدار شخصی، خانگی و داخلی فراتر رفته‌اند (Ibid:434)؛ به همین دلیل با مشارکت بیشتر در این نهادها و انجمن‌ها و سند یکاهای حرفه‌ای حوزه عمومی بورژوازی را شکل بخشیدند این حوزه ریشه در حوزه خصوصی داشت و به واسطه گفتگو و مذاکره درباره مسائل عمومی تشکیل شد (Houlab:1999:26).

یورگن هابرماس جامعه‌شناس منتقد آلمانی، تکوین حوزه عمومی را شیوه مؤثر در رفع استعمار جهان زیست‌ورهایی آن از سلطه نظام و برقراری رابطه بین این دو می‌داند او استدلال می‌کند در دوران اخیر رشد سرمایه‌داری باعث قطبی شدن نظام اجتماعی کل و تقسیم آن به دو قطب جهان زیست و نظام گردیده و نظام (شامل خرده نظام‌های سیاسی و اقتصادی مد نظر پارسونز) بر جهان زیست (شامل خرده نظام‌های اجتماعی و فرهنگی) غالب شده است هر چند این دو قطب جداگانه از یکپارچگی برخوردار دارند اما مسأله اصلی اتصال بین آنها و به

¹ public sphere

عبارتی بین یکپارچگی اجتماعی و یکپارچگی نظام است. قابل ذکر است یکپارچگی اجتماعی به کارکردهای یکپارچگی و حفظ الگوی نظام کل و یکپارچگی نظام به کارکردهای سازگاری و دستیابی به هدف نظام کل در نظریه نظام اجتماعی پارسونز (Habermas, 2001:55) اشاره دارد.

حوزه عمومی عرصه یا قلمروی از حیات اجتماعی است که در آن می‌توان مسایل و موضوعات مورد علاقه عمومی را به بحث و بررسی گذاشت، عرصه‌ای که در آن می‌توان اختلاف نظرات و تضارب آرا و افکار را از طریق بحث و استدلال منطقی و نه از طریق توسل به جزمیات جا افتاد و یا با توسل به احکام و جزمیات سنتی صادره از سوی عرف و عادات حل نمود حوزه عمومی در واقع منادی و بیانگر منافع اجتماعی یا منافع عمومی است (Nozari, 2002:433-434)؛ حوزه‌ای است برای مشارکت همه افراد برای طرح مسایل عمومی، در آن حیات سیاسی و مشارکت در فعالیت‌های سیاسی به روی تمام شهروندان و عموم افراد باز است (Ibid:62)؛ و به واسطه شبکه‌های ارتباطی، ابزار و امکانات زمینه را برای اشخاص خصوصی جهت مشارکت در باز تولید فرهنگ، برای عامه‌ای از شهروندان جامعه (دولت یا کشور) به منظور مشارکت در همبستگی اجتماعی (Ibid:83) فراهم می‌سازد.

چارچوب نظری پژوهش

در بسیاری از تئوری‌های مشارکت معمولاً دو فرضیه اصلی مطرح است: یکی آنکه هر قدر انگیزه عضو قوی‌تر باشد، مشارکت بیشتر است و دوم اینکه هر قدر مشارکت بیشتر باشد، امکان دستیابی به نتایج رضایت‌بخش بیشتر است. در این میان برخی دیگر از تئوری‌ها متکی بر این دیدگاه هستند که مشارکت قوی همراه با اقدام مؤثر نیز می‌باشد. در حقیقت آنچه که مشارکت را تحقق می‌بخشد گذر از حالت بالقوه به بالفعل است، صرف نظر از موقعیتی که حاصل می‌شود (Mohseni, 2003:12). با توجه به اینکه انگیزه عنصری روانشناختی است در این تحقیق از این عنصر و سایر عناصر روانشناختی چشم‌پوشی شده و چارچوب نظری بر اساس تئوری‌های جامعه‌شناختی تنظیم می‌گردد. بر اساس نظریه حوزه عمومی هابرماس، مشارکت شهروندان در امور و مدیریت شهری همان مشارکت در حوزه عمومی است و در واقع منادی و بیانگر منافع اجتماعی یا منافع عمومی است. مشارکت در مدیریت شهری حوزه‌ای است برای مشارکت همه شهروندان و در آن به روی تمام شهروندان و عموم افراد باز است. به عبارتی مشارکت در مدیریت شهری به واسطه شبکه‌های ارتباطی، ابزار و امکانات زمینه را

برای اشخاص خصوصی جهت مشارکت در باز تولید فرهنگ، برای عامه‌ای از شهروندان جامعه فراهم می‌سازد.

با توجه به نظریه ادغام اجتماعی و تأکید آن بر ادغام به‌عنوان مجموع پدیده‌های مبتنی بر تعامل را که موجب همسازی و سازگاری متقابل می‌شود، در بر می‌گیرد. می‌توان گفت ادغام با مشارکت رابطه دو سویه دارد و افراد از طریق مشارکت به نوعی اتفاق نظر دست می‌یابد، به همان نسبت نیز ادغام و یکپارچگی با قانون اکثریت و مصالحه توافق می‌پذیرد. در واقع ادغام اجتماعی عامل سوق‌دهنده به سوی مشارکت در مدیریت شهری یا به عبارت هابرماس حضور در حوزه عمومی خواهد بود؛ بنابراین می‌توان گفت هر چه ادغام اجتماعی بیشتر باشد مشارکت در مدیریت شهری نیز بیشتر خواهد بود.

فرضیات پژوهش

بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و میزان شرکت در انتخابات مردم شهر بوشهر رابطه وجود دارد.

- بین رضایت‌مندی اجتماعی و میزان شرکت در انتخابات مردم شهر بوشهر رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق این پژوهش بصورت پیمایش بوده است. جامعه مورد مطالعه تحقیق حاضر ساکنان شهر بوشهر است که بر اساس سالنامه آماری سال ۱۴۰۳ (آخرین سالنامه منتشر شده) برابر با ۴۸۵۳۹۸ نفر بوده‌اند. به‌طور کلی، نمونه‌گیری تصادفی ساده، سیستماتیک، طبقه‌بندی، خوشه‌ای و چند مرحله‌ای متداول‌ترین روش‌های نمونه‌گیری است. در پژوهش حاضر برای تعیین حجم نمونه از طریق نمونه‌گیری طبقه‌بندی تصادفی و با استفاده از فرمول اصلاح شده کوکران^۱ یک نمونه آماری ۳۸۴ نفری تعیین گردید و در نهایت همین تعداد پرسشنامه توزیع و جمع‌آوری گردیده شد. فرمول نمونه‌گیری با خطای ۵ درصد به ترتیب زیر است:

¹ Cochran

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{n} \left(\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

در پژوهش حاضر از هر دو روش بهره گرفته شده است، از روش کتابخانه‌ای برای تهیه پیشینه تحقیق، دستیابی به چارچوب نظری و شناسایی متغیرها و ... و در نهایت تحلیل نتایج آزمون فرضیه‌ها به‌عنوان یک ضرورت مورد نیاز است. روش‌های میدانی که از شهرت بیشتری برخوردارند عبارتند از: روش پرسشنامه‌ای، روش مصاحبه، روش مشاهده و بررسی اسناد و مدارک (Hafeznia, 2013:162). برای استفاده از روش میدانی در پژوهش حاضر با توجه به نوع تحقیق، از روش پرسشنامه بهره گرفته شده است. پرسشنامه به‌عنوان یکی از متداول‌ترین ابزار جمع‌آوری اطلاعات در تحقیقات پیمایشی می‌باشد که متشکل از مجموعه‌ای از پرسشنامه‌های هدفدار با مقایسه‌های گوناگون می‌باشد (Bennington & Commence, 1998). البته بصورت همزمان از روش اسنادی و رویکرد مصاحبه نیز استفاده شده است.

در این تحقیق از اعتبار محتوا استفاده شده است به این ترتیب که ابزار تحقیق در اختیار تعدادی از خبرگان دانشگاهی و متخصصین مرتبط با این موضوع قرار داده شده و تأیید آنها در ارتباط با جامعیت و ترجمه مناسب گویه‌های پرسشنامه اخذ گردیده است. در پژوهش حاضر جهت بررسی پایایی، پرسشنامه‌ها به ۳۰ نفر از اعضاء نمونه داده خواهد شد که با استفاده از روش آلفای کرونباخ پایایی پرسشنامه‌ها محاسبه خواهد گردید. برای تعیین روش‌های تجزیه و تحلیل به نوع و روش تحقیق توجه می‌گردد در این پژوهش با توجه به نوع و ماهیت فرضیات از روش‌های تحلیل استنباطی مناسب، تجزیه و تحلیل آماری انجام شده است؛ و برای تجزیه و تحلیل چند متغیره از نرم‌افزار *Lisrel* نسخه ۸.۵۰ استفاده شده است.

مدل معادلات ساختاری^۱

برای بررسی روابط علی بین متغیرها به صورت منسجم کوشش‌های زیادی در دهه اخیر صورت گرفته است. یکی از این روش‌های نویدبخش در این زمینه مدل معادلات ساختاری یا تحلیل چند متغیری با متغیرهای مکنون است. بدون توجه به نام یا مفهوم بی‌شمار آن، این واژه به یک سری مدل‌های عمومی اشاره می‌کند که شامل تحلیل عاملی تأییدی^۲، مدل‌های

^۱ structural equation modeling

^۲ confirmatory factor analysis

ساختاری همزمان کلاسیک^۱، تجزیه و تحلیل مسیر^۲، رگرسیون چندگانه، تحلیل واریانس^۳ و سایر روش‌های آماری است.

مدل معادلات ساختاری یک رویکرد آماری جامعی برای آزمون فرضیه‌هایی درباره روابط بین متغیرهای مشاهده شده^۴ و متغیرهای مکنون می‌باشد (Hoyle, 1995). از طریق این رویکرد می‌توانیم قابل قبول بودن مدل‌های نظری را در جامعه‌های خاص با استفاده از داده‌های همبستگی، غیر آزمایشی، آزمایشی آزمون نمود.

یافته‌های پژوهش

در این قسمت برای تحلیل روابط میان متغیرهای مستقل با متغیر وابسته از روش مدل معادلات ساختاری استفاده کرده‌ایم. در این روش، تأثیر کلیه متغیرهای مستقل به‌طور هم‌زمان و به‌صورت مستقیم و غیر مستقیم بر متغیر وابسته مشخص می‌شود. در واقع، در این روش، تمامی متغیرها در یک مرحله به ترتیب حداقل تلورانس وارد تحلیل می‌شوند (Habibpour & Safari, 2012:480). در این پژوهش پایگاه اجتماعی و اقتصادی نمونه مورد بررسی سنجیده شده و بعنوان متغیری مستقل برای رضایت‌مندی اجتماعی و شرکت در انتخابات وارد معادله شده است. به بیان دیگر رضایت‌مندی اجتماعی همزمان متغیری مستقل و وابسته در مدل این رساله بوده است.

از آنجایی که رضایت‌مندی اجتماعی در این پژوهش نقش متغیر واسطه را دارد (یعنی به‌صورت هم‌زمان نقش متغیر وابسته برای پایگاه اجتماعی - اقتصادی و نقش متغیر مستقل برای شرکت در انتخابات در بوشهر را ایفا می‌کند) استفاده از مدل معادلات ساختاری می‌تواند دید مناسبی ایجاد کند.

جداول شماره (۱) و (۲) و شکل‌های (۱) و (۲) نتایج برازش و ضرایب بار عاملی و میزان تأثیرات متغیرهای مستقل بر وابسته و همچنین معنی‌داری روابط بین متغیرها را نشان می‌دهد.

لازم به ذکر است که به دلیل ورود همه متغیرهای تحقیق به‌صورت هم‌زمان و امکان سنجش روابط مستقیم و غیر مستقیم را فراهم می‌کند. به عبارت دیگر هم رابطه غیر مستقیم پایگاه اجتماعی - اقتصادی بر شرکت در انتخابات مورد آزمون واقع شده است و هم اثر

^۱ classical simultaneous equation models

^۲ path analysis

^۳ ANOVA

^۴ observed variables

متغیرهای پایگاه اجتماعی - اقتصادی و رضایت‌مندی اجتماعی به‌صورت هم‌زمان بر شرکت در انتخابات سنجیده شده است.

آزمون فرضیه: بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و رضایت‌مندی اجتماعی و شرکت در انتخابات در شهر بوشهر رابطه وجود دارد.

برای آزمودن این فرضیه از مدل‌سازی معادلات ساختاری و از نرم‌افزار لیزرل (LISREL 8.50) استفاده شده است. برای مشخص کردن شاخص‌های برازش مدل‌سازی معادلات ساختاری شاخص‌های مختلفی وجود دارد که هر کدام دارای دامنه‌ای برای پذیرش نیکویی برازش می‌باشند، نتایج مدل ساختاری زمانی معتبر است که مدل طراحی شده از برازش مطلوبی برخوردار باشد برای ارزیابی برازش مدل از شاخص‌های χ^2 دو، نسبت χ^2 دو به درجه آزادی، شاخص نرم‌شده برازندگی (NFI)^۱، شاخص نرم نشده برازندگی ($NNFI$)^۲، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)^۳، شاخص برازندگی فزاینده (IFI)^۴، شاخص برازندگی (GFI)^۵، شاخص برازندگی تعدیل‌یافته ($AGFI$)^۶، شاخص میانگین مجذور باقیمانده (RMR)^۷، و شاخص ریشه دوم برآورد خطای واریانس تقریب ($RMSEA$)^۸ استفاده شد که نتایج در جدول (۱) آورده شده است.

جدول ۱: شاخص‌های برازندگی مدل

Table 1: Model Fitness Indices

شاخص برازندگی	دامنه قابل‌پذیرش	میزان به‌دست آمده
<i>Fitness Index</i>	<i>Acceptable Range</i>	<i>Achieved Rate</i>
χ^2 دو	-	۹۱۴.۴۹
نسبت χ^2 دو به درجه آزادی	کم‌تر از ۵	۳.۶۷
شاخص نرم شده برازندگی (NFI)	نزدیک به ۱	۰.۹۴
شاخص نرم نشده برازندگی ($NNFI$)	نزدیک به ۱	۰.۹۱
شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	نزدیک به ۱	۰.۹۶

¹ Normed Fit Index

² Not- Normed Fit Index

³ Comparative Fit Index

⁴ Incremental Fit Index

⁵ Goodness of Fit Index

⁶ Adjusted Goodness of Fit Index

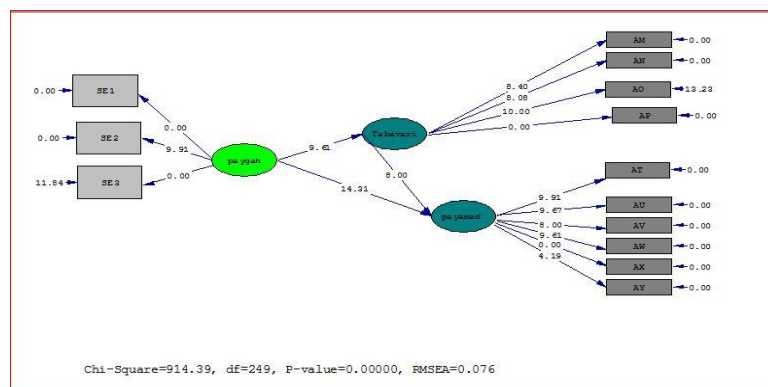
⁷ Root Mean Square Residual

⁸ Root Mean Square Error of Approximation

شاخص برازندگی	دامنه قابل پذیرش	میزان به دست آمده
<i>Fitness Index</i>	<i>Acceptable Range</i>	<i>Achieved Rate</i>
شاخص برازندگی فزاینده (<i>IFI</i>)	نزدیک به ۱	۰.۹۳
شاخص برازندگی (<i>GFI</i>)	نزدیک به ۱	۰.۹۵
شاخص برازندگی تعدیل یافته (<i>AGFI</i>)	نزدیک به ۱	۰.۹۳
ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب (<i>RMSEA</i>)	کمتر از ۰/۱	۰.۰۷۶

همان طور که یافته‌های خروجی نرم افزار *Lisrel* در جدول ۱ نشان می‌دهد مدل طراحی شده از برازش مطلوبی برخوردار می‌باشد. نسبت χ^2 دو به درجه آزادی برابر ۳.۷۶ می‌باشد که نشان‌دهنده برازش مناسب مدل است؛ همچنین شاخص ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب نیز کمتر از ۰.۱ می‌باشد (۰.۰۷۶) که میزان مطلوبی است. سایر شاخص‌های برازندگی نیز در سطح مطلوبی قرار دارند، بنابراین مدل طراحی شده از برازش مطلوبی برخوردار است.

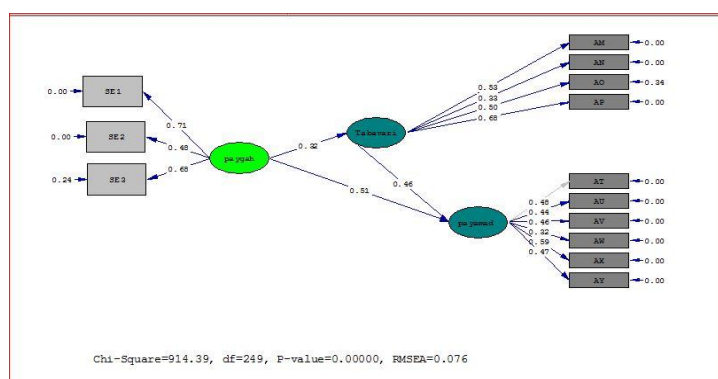
در شکل زیر خروجی *T-VALUE* نرم‌افزار داده شده است. بازه بحرانی نمره *T* برابر با ± 1.96 می‌باشد؛ بنابراین نمرات بالاتر از ۱.۹۶ و یا کوچک‌تر از -۱.۹۶ نشان‌دهنده معنی‌داری ارتباط بین متغیرها در مدل معادلات ساختاری می‌باشند. همان طور که در شکل زیر دیده می‌شود تمامی گویه‌ها دارای نمره *T* بالاتر از ۱.۹۶ و یا پایین‌تر از -۱.۹۶ می‌باشند و این به معنی آن است که متغیرهای آشکار برای تشکیل متغیرهای پنهان مناسب می‌باشند و همچنین رابطه بین متغیرهای پنهان معنی‌دار می‌باشد.



شکل ۱: بررسی معنی‌داری روابط بین متغیرها

Figure 1: Examining the Significance of Relationships between Variables

با توجه به مناسب بودن معنی‌داری روابط بین گویه‌ها با متغیرهای پنهان و همچنین معنی‌داری تأثیرات بین متغیرهای موجود در مدل این پژوهش، مدل تحلیل مسیر طراحی شده مدل در شکل ۲ آورده شده است.



شکل ۲: میزان روابط بین متغیرهای مدل

Figure 2: The Extent of Relationships between Model Variables

همان‌طور که در مدل تحلیل مسیر بالا دیده می‌شود، سه متغیر پنهان در مدل ما وجود دارد که هر کدام از آن‌ها از گویه‌ها و زیرشاخص‌هایی سنجیده شده‌اند که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود.

ابزار اندازه‌گیری

پایگاه اقتصادی - اجتماعی

این متغیر یکی از متغیرهای مستقل در مدل معادلات ساختاری تحقیق می‌باشد که با گویه‌هایی درباره درآمد خانواده، تحصیلات افراد خانواده و شغل سرپرست خانواده که دامنه بار عاملی این مؤلفه‌ها برای سنجش این شاخص استفاده شده است بین ۰.۴۸ تا ۰.۷۱ به‌دست آمده است.

رضایت‌مندی اجتماعی

این متغیر یک متغیر میانجی (هم‌زمان مستقل و وابسته) تحقیق می‌باشد که در این تحقیق با استفاده از ۴ گویه مورد سنجش قرار گرفته است. لازم به ذکر است که تعداد

گویه‌های پرسشنامه رضایت‌مندی اجتماعی بیشتر از ۴ مورد بوده اما برای پرهیز از شلوغ شدن مدل تحقیق چهار بعد اصلی رضایت‌مندی اجتماعی وارد مدل شده‌اند که دامنه بار عاملی گویه‌هایی که برای سنجش این شاخص استفاده شده است بین ۰.۲۲ تا ۰.۶۶ به‌دست آمده است.

شرکت در انتخابات

این متغیر، متغیر وابسته تحقیق می‌باشد که در این تحقیق با استفاده از ۶ گویه مورد سنجش قرار گرفته است. دامنه بار عاملی گویه‌هایی که برای سنجش این شاخص استفاده شده است بین ۰.۲۲ تا ۰.۵۹ به‌دست آمده است.

بر اساس نتایج به‌دست آمده از مدل بالا در سطح معناداری ۵ درصد و با اطمینان ۹۵ درصد، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و رضایت‌مندی اجتماعی در نمونه مورد بررسی حدود ۶۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته (شرکت در انتخابات) را تبیین می‌نمایند. البته متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی تأثیرات مستقیم و غیر مستقیمی بر متغیر شرکت در انتخابات است که نتایج تأثیرات مستقیم متغیر مستقل و ابعاد آن بر متغیر وابسته در جدول زیر آمده است.

جدول ۲: بررسی میزان تأثیرات متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته بر اساس مدل معادلات ساختاری
Table 2: Examining the Effects of Independent Variables on the Dependent Variable Based on the Structural Equation Model

رضایت‌مندی اجتماعی			پایگاه اقتصادی - اجتماعی			متغیرهای تحقیق
کل	غیر مستقیم	مستقیم	کل	غیر مستقیم	مستقیم	
-	-	-	۰.۲۲	-	۰.۲۲	رضایت‌مندی اجتماعی
۰.۴۶	-	۰.۴۶	۰.۶۶	۰.۱۵	۰.۵۱	شرکت در انتخابات

همان‌طور که در بالا مشاهده می‌شود، متغیر پایگاه اقتصادی اجتماعی خانواده دارای تأثیر مستقیم بر رضایت‌مندی اجتماعی بوده و حدود ۲۲ درصد از واریانس آن را تبیین می‌کند؛ لازم به ذکر است که پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده تأثیر غیر مستقیمی بر رضایت‌مندی اجتماعی خانواده ندارد و مجموع تأثیرات آن همان ۲۲ درصد می‌باشد که همان‌طور که در خروجی *T-Value* به آن اشاره شد همه تأثیرات در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار است.

همچنین متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی ۵۱ درصد از تغییرات متغیر شرکت در انتخابات را به صورت مستقیم و ۰.۱۶ درصد را نیز به صورت غیر مستقیم پیش‌بینی می‌کند که در مجموع حدود ۶۶ درصد از تغییرات شرکت در انتخابات به وسیله پایگاه اقتصادی - اجتماعی تبیین می‌شود که این میزان تأثیر نیز در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار است. تأثیر متغیر رضایت‌مندی اجتماعی خانواده بر شرکت در انتخابات نیز فقط به صورت مستقیم بوده و تأثیر غیر مستقیمی ندارد و به این صورت است که ۴۶ درصد از تغییرات متغیر شرکت در انتخابات در بین نمونه مورد بررسی به وسیله رضایت‌مندی اجتماعی خانواده تبیین می‌شود که این میزان تأثیر نیز در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار است. بنابر آنچه گفته شد، فرضیه آخر تحقیق نیز تأیید می‌شود و می‌توان گفت که متغیرهای پایگاه اقتصادی - اجتماعی و رضایت‌مندی اجتماعی خانواده بر میزان شرکت در انتخابات تأثیرگذار هستند؛ همچنین آزمون این فرضیه نشان داد که متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی علاوه بر تأثیر مستقیم، به صورت غیر مستقیم نیز بر شرکت در انتخابات تأثیرگذار بوده است.

نتیجه‌گیری

درباره کارکردهای مشارکت، نظرات مختلف و فراوانی وجود دارد. در واقع، اهمیت مشارکت به عنوان تبیین‌کننده رفتار یکی از مهم‌ترین مباحث جامعه‌شناسی است که بر اساس دیدگاه‌های مختلف، کارکردهای متنوعی را برای مشارکت مترتب می‌دانند. امروزه در جوامع جدید این مشارکت در نهادهای سیاسی - اجتماعی همچون پارلمان، احزاب و ... به صورتی منظم و قانونمند متبلور شده است. کارکردهای مشارکت را به صورت فهرست‌وار می‌توان در عناوینی همچون جلوگیری از بی‌تفاوتی سیاسی، کاهش تعارضات خشونت‌آمیز، افزایش مقبولیت حکومت، بقای نظام دموکراتیک و اضمحلال نظام توتالیتری، ایجاد نشاط سیاسی و ... خلاصه نمود. استان بوشهر به دلیل موقعیت جغرافیایی ویژه‌ای که در جنوب ایران دارد، همواره از نظر اقتصادی و اجتماعی تحت تأثیر شرایط ویژه‌ای قرار داشته است. این استان به دلیل نزدیکی به خلیج فارس و ارتباط با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، از لحاظ فرهنگی و اقتصادی با ویژگی‌های خاصی مواجه است. این ویژگی‌ها از جمله ترکیب قومی و فرهنگی متنوع، تأثیر قابل توجهی بر مشارکت سیاسی مردم دارد. مشارکت مردم استان بوشهر در فعالیتهای سیاسی - اجتماعی، به‌ویژه در انتخابات، نشان‌دهنده یک رابطه پیچیده و چندبعدی میان عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. این مشارکت می‌تواند تحت تأثیر مشکلات اقتصادی و اجتماعی، احساس تعلق قومی و منطقه‌ای، و برنامه‌های

کандیدها و نهادهای دولتی قرار گیرد. برای افزایش این مشارکت، توجه به مسائل خاص استان، آموزش و آگاهی‌بخشی، و ارائه خدمات بهتر به مردم از جمله اقداماتی است که می‌تواند تأثیر مثبتی بر حضور مردم در انتخابات داشته باشد.

بر اساس نتایج به‌دست آمده از این تحقیق در سطح معناداری ۵ درصد و با اطمینان ۹۵ درصد، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و رضایت‌مندی اجتماعی در نمونه مورد بررسی حدود ۶۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته (شرکت در انتخابات) را تبیین می‌نمایند. البته متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی تأثیرات مستقیم و غیر مستقیمی بر متغیر شرکت در انتخابات است دارد متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده دارای تأثیر مستقیم بر بوده و حدود ۲۲ درصد از واریانس آن را تبیین می‌کند؛ همچنین متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی ۵۱ درصد از تغییرات متغیر شرکت در انتخابات را به‌صورت مستقیم و ۰.۱۶ درصد را نیز به‌صورت غیر مستقیم پیش‌بینی می‌کند که در مجموع حدود ۶۶ درصد از تغییرات شرکت در انتخابات به‌وسیله پایگاه اقتصادی - اجتماعی تبیین می‌شود که این میزان تأثیر نیز در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار است. با وجود میزان بالای مشارکت، عواملی نیز وجود دارند که می‌توانند مانع از حضور بیشتر مردم در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی شوند. یکی از چالش‌های مهم در مشارکت مردم در انتخابات، عدم دسترسی کافی به اطلاعات دقیق و شفاف در خصوص برنامه‌ها و سیاست‌های کاندیدها است. عدم آموزش‌های لازم در زمینه حقوق مدنی و سیاسی ممکن است در برخی مناطق استان بوشهر باعث کاهش مشارکت شود. در بعضی از مناطق بوشهر، مردم ممکن است به دلیل مشکلات اقتصادی و اجتماعی موجود، احساس بی‌اعتمادی نسبت به نهادهای دولتی داشته باشند و این موضوع ممکن است موجب کاهش مشارکت در انتخابات و فعالیتهای سیاسی شود. برای افزایش مشارکت مردم استان بوشهر در انتخابات، باید به عوامل مختلفی توجه شود. سازمان‌های غیر دولتی، رسانه‌ها و نهادهای آموزشی می‌توانند نقش مؤثری در آگاه‌سازی مردم و تبیین اهمیت مشارکت سیاسی ایفا کنند. باید به مشکلات زیرساختی و اجتماعی استان بوشهر توجه ویژه‌ای داشته باشد و با ارائه خدمات بهتر و توسعه زیرساخت‌ها، اعتماد مردم به نهادهای دولتی را افزایش دهد. کاندیدها و مسئولان باید به مسائل خاص استان بوشهر مانند اشتغال، آموزش، بهداشت و توسعه پایدار توجه بیشتری داشته باشند تا بتوانند مشارکت مردم را جلب کنند.

References:

Bashirieh, H. (2019). Civil Society and Political Development in Iran, Tehran: Ulum Novin. (Persian).

Tavassoli, Gh. A. (2004). Social Participation in Anomic Conditions, Tehran, Tehran University Press and Publishing Institute. (Persian).

Rush, M. (2011). Society and Politics: An Introduction to Political Sociology, translated by Manouchehr Sabouri, Tehran, Samt Publications. (Persian).

Zare, B. & Rohandeh, M. (2015). "Investigating Social Factors Affecting Social-Political Participation: Studies on Citizens Over 18 Years of Age in Karaj", Iranian Journal of Social Studies, Vol. 9, Issue 2, Summer 2015, pp. 64-87. (Persian).

Zahed Zahedani, S.; Afrasiabi, H. (2019). Investigating Strategies for Cultural Development in Shiraz from the Perspective of Cultural Experts and Youth. (Persian).

Dovas, D. A. (2010). Survey in Social Research: Translated by Houshang Naebi, Tehran: Nai Publications. (Persian).

Azimi, Gh.; Rasouli, M. (2019). Cross-sectional study - national study of factors affecting political inequality (with emphasis on political culture), Quarterly Journal of Social Sciences, No. 48. (Persian).

Elmi, Mahmoud, T. & F.; Musazadeh, R. (2012). Study of the relationship between social alienation and the level of political participation among students of Islamic Azad University, Naqdeh Branch, Sociological Studies, Year 2, No. 6, Spring, (Background). (Persian).

Fairhi, D. (2018). Resident in Political Participation, Quarterly Journal of Political Sciences, Year 1, No. 1. (Persian).

Tayebiya, M. & Naqdeh, A. (2012). "Study of students' political participation and its related factors", Quarterly Journal of Sociological Studies of Youth, Year 3, No. 7. Babiz. (Persian).

Masoud Niya, H.; Mohammadfar, N. & Morad, G.; Qoroghi, A. (2012). Study of socio-psychological factors affecting the level of political participation of professors of Isfahan University. Applied Sociology, Year 23, No. 3, Winter. (Persian).

Moore, B. B. (2011). *Social Roots of Dictatorship and Democracy*, Translated by Hossein Bashirieh, Tehran: Jihad Daneshgahi. (Persian).

Movahed, M. (2014). "Women's Political Participation and Social Factors Affecting It (Case Study of Bandar Abbas City)", *Women's Studies*, First Year, Issue 4. (Persian).

Niazi, M. (2012). *Explaining the Obstacles to Social Participation in the City of Kashan*. PhD Thesis, University of Isfahan. (Persian).

Nazari, S.; Ghani Bashiri Givi, H.; Jannati, S. (2013). "Studying the Impact of Political Participation on Political Development", *Iranian Journal of Social Development Studies*, Vol. 6. Issue 1, Winter. (Persian).

Hafeznia, M. R. (2013). *Introduction to Research Methodology in the Humanities*, Tehran: Samat Publications. (Persian).

Kalantari, J. (2016). "Participation, a New Strategy in Development (Translated by Abdolhossein Nik-e-Gohar)", Tehran: Tutia. (Persian).

Bahry, D.; Silver, B. (2012). *Soviet Citizenship Participation of The eve of democratization*, *American Political Science Review*.

Simona, G.; Rosario, D'A. (2015). "Social networks and political participation in a Sicilian community context", *Procedia Social and Behavioral Sciences* 2 (2015) 29-51.

McClurg, S. D. (2014). "Social Networks and Political Participation: The Role of Social Interaction in Explaining Political Participation", *Political Research Quarterly*, (December).

Explanation of the Participation and Presence of the People of Bushehr Province in Political-Social Activities (With Emphasis on Election Participation) (Case Study of Bushehr City)

Gholamreza Jafarinia (Ph.D)¹ 

DOI: 10.22055/QJSD.2025.48711.3019

Abstract:

The participation and presence of the people of Bushehr Province, especially in Bushehr City, in political and social activities, signify their awareness and commitment to democratic processes. The aim of this article is to examine the extent and factors affecting public participation in elections and political-social activities. Bushehr City, with its rich cultural background and unique geographical position, provides a suitable environment for the formation of political awareness among its citizens. Participation in elections reflects the people's interest in determining their destiny, influenced by factors such as satisfaction with representatives' performance, electoral programs, and socio-economic status. Additionally, political awareness and public communication play a significant role in enhancing participation. Public meetings and electoral gatherings provide an opportunity to express opinions and demands, which helps strengthen the spirit of participation in the community. This research is conducted through a survey method. The study population consists of the residents of Bushehr City, which, according to the Statistical Yearbook of 1403 (the latest published yearbook), amounts to 485,398 individuals. Based on the results obtained from this research at a 5% significance level and with 95% confidence, socio-economic status and social satisfaction account for approximately 66% of the changes in the dependent variable (election participation). Ultimately, enhancing the participation of the people of Bushehr in political activities requires attention to their needs and desires, as well as the establishment of necessary conditions for free and fair elections. This can significantly contribute to the social and political growth of the province.

Key Concepts: Participation, Parties, Actions, Sociology, Bushehr

¹ Associate Professor, Sociology, Department Sociology, Faculty Sociology, University, Islamic Azad University Bushehr, Iran, jafarinia_reza@iaubushehr.ac.ir



© 2019 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>).